

به نام خدا

درس: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

موضوع: علوم غیر اسلامی (پزشکی)

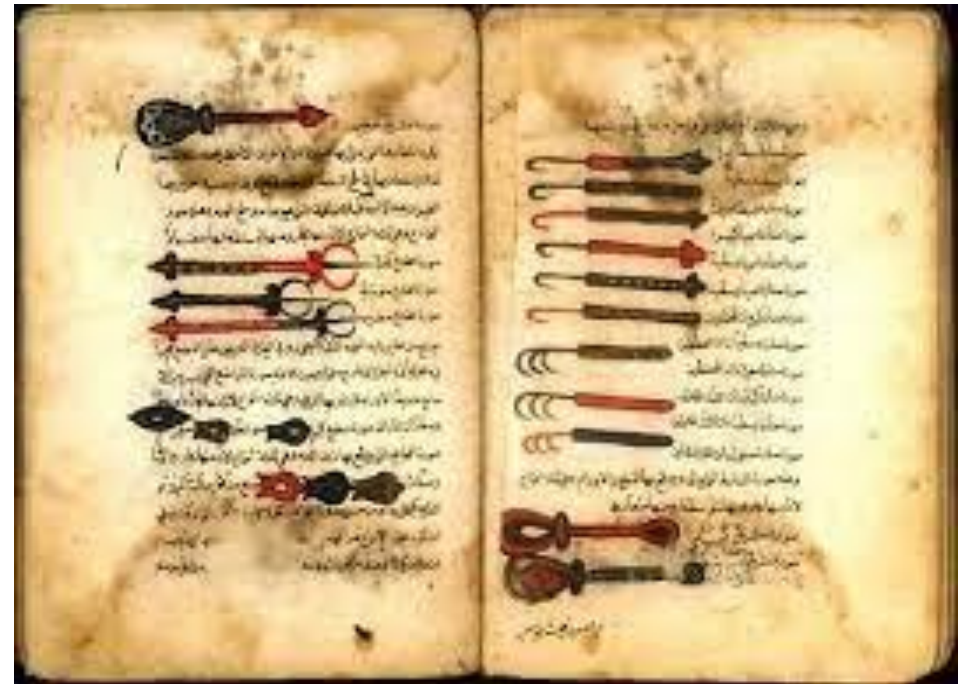
استاد: سرکار خانم

گردآورنده:

پزشکی

امروزه نیز با وجود وسایل پیشرفته علمی هنوز آن اطلاعات با ارزش اند.^۱ زکریای رازی نیز در تشریح و کالبدشکافی تبحر بسیار داشته و در کتاب مهم *المنصوری* به طور دقیق اندام‌های داخلی بدن از جمله قلب، ورید و شریان را شرح داده است.^۲

درباره کالبدشکافی یا تشریح عملی نیز کتاب‌هایی نوشته شد که از آن میان می‌توان به کتاب *التصریف لمن عجز عن التألیف* نوشته ابوالقاسم الزهراوی اشاره کرد. او بخش عظیمی از کتاب خود را به جراحی اختصاص داده و حتی تصویر ابزار جراحی را آورده است. قسمت جراحی این کتاب با تصویرهای آن، در قرن هجدهم میلادی در آکسفورد منتشر شد.^۳



پزشکان مسلمان در درمان برخی از بیماری‌ها به ابداعاتی دست زدند که تا آن زمان بی‌سابقه بود. گفته شده است که ابن‌سینا نخستین کسی بود که بیماری‌های مربوط به جهاز تنفسی را به‌خوبی تشریح کرد و همچنین در مورد انگل‌های موجود در جهاز هاضمه نظریه جدیدی به‌دست داد.^۱

رازی نیز در معالجات بالینی و استفاده از سوابق بیمار، کارهای تازه‌ای انجام داد و مشاهدات کلینیکی خود را در کتابی نگاشت که مشتمل بر نظریه‌های شخصی اوست.^۲ یکی از روش‌های معمول پزشکان مسلمان، استفاده از تلقین است که نمونه‌های متعددی از آن در آثار طبی قدیم موجود است. برای مثال، ابن‌سینا عاشقی را که در فراق معشوق خود مریض شده بود، معالجه کرد. او وقتی از حرکات نبض بیمار به مطلب پی برد، با تلقین او را معالجه کرد.^۳



یکی دیگر از کشفیات مهم پزشکان مسلمان، گردش ریوی خون در بدن بوده است که به دست ابن نفیس (۶۸۷ ق) کشف شد،^۴ هرچند امروزه آن را به نام هاروی انگلیسی می‌شناسند.^۵ پیش‌تر نیز گفته شد اروپاییان در جریان انتقال علوم مشرق‌زمین به اروپا، اصول امانت‌داری را تا حد زیادی رعایت نکرده‌اند.



مسلمانان همراه با پیشرفت‌های خود در علم پزشکی، در داروسازی نیز فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند. آنان گیاهان طبی را از هند و سایر نقاط می‌آوردند که این اقدام ابتدا در زمان یحیی بن خالد برمکی انجام یافت. سپس داروسازان و پزشکان نابغه از میان مسلمانان برخاستند و کتاب‌های گیاه‌شناسی و داروسازی را نیز از هندی و یونانی ترجمه نمودند.^۶ از مهم‌ترین آثار ترجمه‌شده از زبان یونانی به عربی، کتاب الحشائش نوشته دیو سکوریوس است.

آثاری بالارزش در داروشناسی و داروسازی نیز تألیف گشت که معمولاً به این نوع کتاب‌ها «اقرا باذین» گفته می‌شد. نخستین کتاب مهم و جامع در این زمینه، *اقرا باذین کبیر* نوشته شاپور بن سهل بود که در سراسر عالم اسلام در فن دارو به‌عنوان کتاب مرجع شناخته می‌شد. بخشی از کتاب *قانون ابن سینا*، *الحاوی زکریای رازی* و *الجامع لمفردات الادویه* و *الاغذیه* نوشته ابن بیطار نیز به داروسازی اختصاص یافته است.



معمولاً طبیب خود به بیمار دارو می‌داد، ولی گاه نسخه می‌نوشت که می‌بایست از داروخانه‌ها - که به صیدلیه یا صیدنیه معروف بود - تهیه می‌شد.^۱ پزشکان مسلمان در معالجه بیماران افزون بر داروهای گیاهی، از ترکیبات شیمیایی نیز استفاده می‌کردند.^۲

نظام پزشکی، سرشماری و امتحان پزشکی از دیگر ابتکارات پزشکان مسلمان بود. پزشکان در جامعه اسلامی نظام خاصی داشتند. آن نظام، رئیسی داشت که پزشکان را

می‌آزمود و به کسانی که صلاحیت داشتند، اجازه می‌داد تا مطب باز کنند. از جمله پزشکان مشهوری که به ریاست نظام پزشکی رسیدند، می‌توان به سنان بن ثابت در بغداد و مهذب‌الدین دخوار در مصر اشاره کرد. همین امر درباره داروخانه‌ها نیز اعمال می‌گشت و پس از امتحان‌های لازم، پروانه کسب صادر می‌شد. گاه از پزشکان، سرشماری نیز به عمل می‌آمد. مثلاً در زمان المقتدر خلیفه عباسی، پزشکان بغداد بالغ بر ۸۶۰ نفر بودند که از طریق امتحان به آنها اجازه طبابت داده می‌شد.^۱





مسلمانان در ایجاد بیمارستان‌های مجهز و تهیه لوازم آن، پیشاهنگ دیگر ممالک بودند. بیمارستانی که نورالدین به سال ۵۵۶ هجری ایجاد کرده بود، سه قرن تمام بیماران را به رایگان مداوا می‌کرد و داروی رایگان نیز می‌داد. گفتنی است این بیمارستان ۲۶۷ سال پیاپی در خدمت بیماران بود. ابن‌جبیر که به سال ۵۸۰ هجری به بغداد رفته بود، از دیدن بیمارستان بزرگ شهر که به بیماران غذا و داروی رایگان می‌داد، به شگفت آمده بود.

در قاهره نیز سلطان قلاوون به سال ۶۸۴ هجری بیمارستان منصوریه را ساخت که بزرگ‌ترین بیمارستان قرون وسطی بود. در توصیف بنای این بیمارستان گفته شده که در میان آن محوطه‌ای بود با ایوان‌های بزرگ که حوض‌ها و جوی‌ها و فواره‌ها، هوای آن را خنک می‌کرد. برای بیماری‌های مختلف و بیماران در حال نقاهت، بخش‌های جداگانه داشت و دارای تجزیه‌خانه‌ها، داروخانه، بخش سرپایی، مطبخ‌ها، حمام‌ها، کتابخانه، مسجد و سالن مطالعه نیز بود.



مناظر دل‌انگیز برای بیماران روحی نیز به این بیمارستان پیوسته بود. در آنجا زن و مرد، غنی و فقیر و آزاد و برده بی‌هیچ هزینه‌ای درمان می‌شدند و حتی به بیماران بهبودیافته هنگام خروج از بیمارستان مبلغی می‌دادند تا برای تحصیل معاش خود محتاج کار نباشند. بیمارانی که به بی‌خوابی مبتلا می‌شدند، به قصه‌گویان حرفه‌ای گوش می‌دادند و احياناً کتاب‌های تاریخی برای مطالعه در اختیار آنها گذارده می‌شد.^۲ بی‌گمان این همه، جلوه‌هایی از فرهنگ غنی اسلامی بود که در امر طبابت تجلی می‌یافت.



ممنون از توجه شما